

رویداد. بخش اول

مطالبات روستاییان از دولت

اسماعیل شهبازی

● در عالم قیاس، اگر کشور ایران را یک خانوار و دولت را در نقش یک پدر و در حکم رئیس آن خانوار تلقی کنیم، مسئله اصلی این است که آیا دولت بر مسئولیت‌های مربوط در قبال همه اعضای خانوار تحت ریاست خود آگاهی و اشراف همه‌جانبه داشته و به طور عادلانه و یکسان، وظایف طبیعی خود را به نحو شایسته آغاز و به‌درستی به سرانجام رسانیده و می‌رساند؟ و بدین‌سان در این نوشتار می‌کوشیم تا اعضای خانوار کشور ایران به ریاست «دولت» را، در مقام مقایسه با اعضای یک خانوار نوغا ایرانی به ریاست «پدر» خانوار بررسی کنیم تا در نتیجه دریابیم که همان گونه که یک «پدر» خانوار به فرزندان خود می‌نگرد و رفتار می‌کند، آیا «دولت» هم در نقش یک «پدر»، به ا فشار تحت تکفل خود همان‌گونه یکسان و عادلانه می‌نگرد و رفتار می‌کند؟ ازجمله، به «ششر روستائین» کشور در حکم یکی از اعضا یا فرزندان «خانوار دولت»، در مقام مقایسه با دیگر اعضای خانوار، مثلا «ششر شهرتین»، توجه می‌کنیم و در روند این مقایسه و در چارچوب چندین پرسش به قرار زیر، ستوانان مربوط در نهاده‌ها و سازمان‌ها و ارگان‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرایی و نظارتی را به پاسخ‌گویی می‌طلبیم؛ بلکه با پاسخ‌های حقیقی و واقعی خود، توده‌های مشتاق روستایی و کشاورزان این سرزمین را به عدالت‌گستری دولت و به عبارتی خانوادگی‌تر، به عدالت و یکسان‌نگری «پدر» خود، آگاه و بیش‌ازپیش امیدوار کنند.

● پرسش‌هایی در ارتباط با نگاه دولت به روستاییان در مقام مقایسه با نگاه دولت به شهریان:

۱-آیا یک «پدر» نوغا ایرانی، از حیث ارائه خدمات آموزشی و پروغشی، در بین فرزندان شهری‌اش در مقایسه با فرزندان روستایی‌اش، این قدر تفاوت قائل می‌شود که گاه به نظر برسد که دانسته یا ندانسته، اصولا عائله روستایی خود را فراموش کرده است؟ نمونه: تجمیع در تعطیل کردن مدارس واقع در روستاهای دور و پراکنده به بهانه کم و به حدّ نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان در هرکلاس در روستاها!

۲-آیا یک «پدر» نوغا ایرانی، از حیث ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، در بین فرزندان شهری‌اش در مقایسه با فرزندان روستایی‌اش، این قدر تفاوت قائل می‌شود که گاه به نظر برسد که دانسته یا ندانسته، اصولا عائله روستایی خود را فراموش کرده است؟ نمونه: تعطیلی یا فقدان خانه بهداشت یا ضعف مراکز بهداشتی و درمانی یا استفاده از پزشکان «ترددی» یا پاره‌و‌های در روستاهای دور و پراکنده به بهانه کمبود پزشک و بودجه و دارو یا برای رفاه حال پزشکان ...!

۳-آیا یک «پدر» نوغا ایرانی، از حیث ارائه خدمات فرهنگی و ورزشی و تفریحی و تفرجی به‌ویژه از حیث تدارک امکانات کتابخانه و فرهنگ‌سرا و نیز میدان‌ها و سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی و پارک‌ها و گردشگاه‌ها و جاذبه‌های گردشگری و موارد دیگر از این‌گونه بین فرزندان شهری‌اش در مقایسه با فرزندان روستایی‌اش، این‌قدر ناعادلانه عمل می‌کند و تفاوت قائل می‌شود که گهگاه به نظر برسد که اصولا عائله روستایی خود را از آن خود نمی‌داند و درباره آنها احساس مسئولیت نمی‌کند؟ نمونه: ویلانی و سرگردانی فرزندان روستایی در شهرها و شهرک‌های اطراف روستای خود برای راهیابی و دسترسی به مراکز فرهنگی یا یک میدان یا سالن یا یک باشگاه ورزشی یا جاذبه گردشگری و ...!

۴-آیا یک «پدر» نوغا ایرانی، ازحیث کوشش در ارتقای کیفیت معنوی عائله تحت تکفل خود از طریق هدایت و حمایت از آنان در کسب آموزش‌های عالی و رجعت دانش‌آموختگان به زادبوم خود برای توسعه فرهنگی و اجتماعی و گسترش علوم و معارف در جامعه بومی خود، بین فرزندان شهری‌اش یا فرزندان روستایی‌اش، این‌قدر تفاوت قائل می‌شود که گاه به نظر برسد که دانسته یا ندانسته، اصولا عائله روستایی خود را فراموش کرده و خود را در برابر آنان وظیفه‌مند و مسؤل نمی‌داند؟ نمونه: قائل‌نشدن هیچ امتیازی برای انگیزش جوانان روستایی به منظور ورود به آموزش عالی در قبال رجعت و اشتغال و خدمت به مردم در روستای خود پس از فراغت از تحصیلات دانشگاهی!

۵- آیا یک «پدر» نوغا ایرانی، از حیث امداد و نجات در مواجهه با بلایای طبیعی و مخاطرات جوی و تغییرات اقلیمی یا در مواجهه با دیگر رویدادهای غیرمترقبه، در بین فرزندان شهری‌اش در مقایسه با فرزندان روستایی‌اش، این قدر تفاوت قائل می‌شود که گاه به نظر برسد که دانسته یا ندانسته، اصولا عائله روستایی خود را به حساب نمی‌آورد؟ نمونه: با توجه به آسیب‌پذیربودن اشتغال و زندگی و درعین‌حال، قابلیت «شکندگی» مساکن و اموال و دارائی‌ها و در مواجهه با رویدادهای غیرمترقبه و بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله و خشک‌سالی و سرمازدگی و رانش زمین و آتش‌سوزی ... در مناطق روستایی، دولت کمترین حمایت‌ها و اعانه‌ها و کمک‌های بلاعوض اعتباری و تجهیزاتی و تسهیلات بیمه‌ای و مواردی از این‌گونه برای روستاییان آسیب‌دیده را و آن‌هم به موقع و بدون تاخیرهای متعدد و تعویق‌های مکرر تهیه و تدارک دیده و می‌بیند!



مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، در مصاحبه‌ای که اواسط مرداد سال جاری با خبر رادیو ایران داشتند، علت پیشی‌گرفتن بازایافت‌کنندگان خارجی از صنایع بازایافت ایران را، در «کنبدون روند ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان در این حوزه و ازدست‌رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در صنعت بازایافت به واسطه نبود حمایت‌های قانونی کافی، خصوصا تغییر تعرفه خرید تضمینی برق نیروگاه‌های زباله‌سوز» خلاصه کردند. ایشان در ادامه، فعالیت نامحدود بازایافت‌کنندگان را «در درون» مجموعه شهرداری تهران» تضمین کرده و نهایتا «به علت کمبود ظرفیت‌های کافی برای بازایافت پسماندهای تفکیک‌شده، صادرات این مواد به خارج از کشور را ضروری» دانستند. به نظر می‌رسد در تحلیل ایشان چند نکته مغفول مانده است:

۱- صنایع بازایافت ایران با عمر متوسط هشت سال، صنایعی عموما جوان و برخوردار از تکنولوژی مدرن و قابلیت تولید محصولات باکیفیت هستند؛ اما متاسفانه در غیاب سیاست‌های حمایتی رایج در اقتصاد سبز جهان، مانند معافیت‌های مالیاتی، دریافت هزینه‌های بازایافت از صندوق‌های محیط زیست و نبود تعریف دقیق مناسبات حاکم بر بازار، در جبهه خارجی با کشورهایی می‌کنند که از این امتیازات برخوردارند. در جبهه داخلی نیز مقابل کارگاه‌هایی قرار می‌گیرند که عموما بدون مجوزهای قانونی لازم، پرداخت غیریکسان هزینه‌های تولید اعم از تأمین مواد اولیه، تجهیز خط تولید، مزد کارگر، تأسیسات و بعضا فرار مالیاتی، فعالیت می‌کنند و با تأسف بسیار در برخی موارد، «در درون مجموعه شهرداری» ها استقرار دارند. صنایع بازایافت ایران در چنین رقابت نابرابری، قطعا توانایی تأمین مواد اولیه را به هر قیمتی ندارد. البته مشخصا در چنین شرایطی، «نبود ظرفیت‌های کافی برای بازایافت پسماندهای تفکیک‌شده»، ناگزیر بوده و «صادرات این مواد به خارج از کشور» شیرین!

۲- اتحادیه صنایع بازایافت ایران، اجتماع صنعتگرانی است که می‌توانستند سرمایه خود را در ساخت‌وساز، شبکه واسطه‌گری کالا و خدمات یا در ساختارهای متورم بانکی، هزینه کرده و سود خود را تا ابد تضمین کنند؛ اما یا به عرصه اقتصاد سبز گذاشتند تا با وجود تمام مشکلات و دشواری‌های پیش‌رو، صعوبت کار، ناپایداری کسب و کمبود حاشیه سود، فعالیت خود را به حلاوت گشودن راهی ماندگار در خدمت به محیط زیست - میراث ماندگار نسل‌های بعد- موجه کنند. اکثریت بازایافت‌کنندگان



چرا عده‌ای نگران ایجاد مناطق آزاد جدید هستند؟ این در حالی است که مردم نواحی هم‌جوار از ایجاد این مناطق در شهر و استان خود خوشحال‌اند. در نامه‌ای که از سوی رئیس سازمان بازرسی کل کشور با ذکر برخی مشکلات موجود در فعالیت‌های مناطق آزاد تحریر شده، از رئیس‌جمهور خواسته شده لایحه تأسیس هفت منطقه آزاد و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی جدید و به عبارت ایشان موضوع افزایش مناطق آزاد کان لم‌یکن تلقی شود و دولت لایحه افزایش تعداد این مناطق را به دلیل آنکه از هدف اصلی خود فاصله گرفته‌اند، از مجلس شورای اسلامی پس بگیرد. در بررسی این درخواست، شاید ذکر دلیل تاریخی شکست دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۲۳ خالی از لطف نباشد. در حدوث آن واقعه تلخ برخی بر این نظرند که حقوق‌دان‌بودن دکتر مصدق و نه سیاست‌مداربودن او، باعث شکست او و نهضت ملی صنعت نفت شد و این شکست موجب شد بالغ بر ۲۵ سال، سقوط رژیم شاهنشاهی به تأخیر بیفتد و گرفتاری‌های زیادی در این مدت گریبانگیر کشور شود. این مسئله از آن جهت گفته شد که بدانیم نگاه حقوقی با نگاه اقتصادی و سیاسی کاملا متفاوت بوده و یک حقوق‌دان با وجود همه اقدامات سیاسی خود نمی‌تواند در حیطه اقتصادی به اهمیت یک برنامه اقتصادی که درنهایت می‌تواند همه مشکلات ناشی از انجام‌نشدن برنامه را پس از اجرا از بین ببرد، واقف باشد. آن‌چنان‌که اکنون رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و توسعه معیشت در مناطق مرزی از مهم‌ترین وظیفه‌های دولت دانسته شده است که می‌تواند با درستی ریشه گرفتاری‌ها را از بین ببرد. ایجاد مناطق آزاد نیز در این هفت منطقه از همین مقوله است. واقعیت آن است که هنگام بررسی کلیات موافقت با لایحه دولت درباره ایجاد مناطق آزاد و ویژه یادشده، در کمیسئون اقتصادی مجلس، نقطه‌نظرهای سازمان بازرسی کل کشور به اطلاع اعضای کمیسئون اقتصادی مجلس رسیده و باوجود آن، نمایندگان عضو در کمیسئون

اقتصاد

کلید توسعه، صنعت بازایافت

«مصلحت ملی» به جای «منافع سازمانی و بنگاهی»

شناسنامه‌دار کشور، بنگاه‌های خصوصی هستند. بنگاه‌هایی که در یک اقتصاد آزاد، قدرت رقابت با تمام واحدهای مشابه خود را در سراسر جهان دارند؛ اما رقابت بخش خصوصی که در پی یک

ناسازگاری، ورشکستگی را پیش‌روی خود می‌بیند، با بخش شبه‌دولتی یا شبه‌خصوصی که هرقد هم در ترازهای مالی خود به مشکل بخورد راه جبران آن از منابع ملی باز است، بی‌معنا خواهد بود. قانون عرضه و تقاضا، به‌عنوان شاه‌بیت اقتصاد آزاد، هنگامی معنای خود را پیدا می‌کند که اولاً بخش خصوصی، تنها بخش فعال اقتصاد باشد و ثانیاً نقش نهادهای حاکمیتی متکی به منابع ملی مانند شهرداری‌ها، به جای بنگاهداری، فقط نظارت علیه بر فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد.

۳- راهبرد اقتصاد سبز در کشورهای پیشرو در محیط زیست، رونق و رشد صنایع دوستدار محیط زیست مانند بازایافت را علاوه بر متوقف‌کردن آسیب‌های ماندگار به پیکره طبیعت، با جلوگیری از هزینه‌های ثانویه بهداشتی و درمانی مترادف می‌کند. این مهم با تعریف صریح مسئولیت جمع‌آوری، تفکیک و بازایافت یا امحا، در قوانین و چارچوب فعالیت هرکدام، مقدور و میسر می‌شود. به‌طورکلی در قوانین کشورهای موفق در این حوزه که بر پایه منطق مسئولیت‌تولیدکننده (PR) پسماند تدوین شده است، هزینه جمع‌آوری، تفکیک و بازایافت درنهایت از شهروندان اخذ می‌شود. به‌طور دقیق‌تر، چارچوب گردش مالی این عملیات، هزینه‌های جمع‌آوری و تفکیک را تحت عنوان عوارض شهری، بی‌واسطه از شهروندان اخذ و به مدیریت اجرایی پرداخت می‌کند. همچنین با دریافت هزینه‌های بازایافت از تولید و تأمین‌کنندگان کالاها از طریق صندوق‌های ملی محیط زیست و ایجاد یک زنجیره، درنهایت مصرف‌کنند نهایی، هزینه‌های بازایافت کالا را با واسطه به بازایافت‌کننده پرداخت می‌کند. همان‌طورکه توضیح داده شد، فعالیت تمام اجزای این نظام، بدون هرگونه تداخلی با یکدیگر و به تنهایی، دارای توجیه اقتصادی است و پسماند تفکیک‌شده، بدون نیاز به خریدوفروش، به‌صورت رایگان، راهی واحدهای بازایافت می‌شود. کشورهایی مانند سوئد، فنلاند و نروژ از متقدمین اجرای سیستم یادشده هستند که اندکی بعد در کشورهای اروپایی مانند دانمارک، هلند، بلژیک، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، سوئیس، آلمان، اتریش، یونان، اوکراین، کرواسی، مجارستان، جمهوری‌های لهستان و پس از مدتی در ژاپن، استرالیا، کانادا و آمریکا به اجرا درآمد و درحال‌حاضر این نظام به‌عنوان مطمئن‌ترین و کارآمدترین سازوکار مدیریت پسماند، در بیش از ۴۰ کشور جهان در حال اجراست؛ کشورهایی که همگی در پیروی از سازوکارهای اقتصاد آزاد، مشهورند و

باین‌حال در حوزه مدیریت پسماند با یک نگاه شفاف استراتژیک و تفکیک تکالیف بخش‌ها، بر تمام عملیات اعمال نظارت می‌کنند.

۴- مطابق قوانین کشورمان، مدیریت اجرایی پسماندهای شهری و روستاها، به شهرداری‌ها و دهرداری‌ها واگذار شده است. ازآنجایی‌که هزینه خدمات مدیریت شهری، در چارچوب نظام قیمت‌گذاری سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بررسی و پس از تصویب شوراهای عملیاتی می‌شود، ظاهرا عوارض مدیریت پسماند شهری تکافوی هزینه‌های عملیاتی مدیریت اجرایی را نمی‌کند. این امر موجب شده شهرداری‌ها به دنبال جبران این زیان از طریق روش‌هایی نظیر فروش تراکم، فضا‌های شهری و به‌ویژه فروش پیمان جمع‌آوری، تفکیک و واگذاری پسماند باشند. طبق بررسی‌های انجام‌شده نه‌فقط در همه کشورهای مورد مطالعه سابقه‌ای مبنی بر مشارکت بازایافت‌کنندگان بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های جمع‌آوری و تفکیک که ماهیتا بر ذمه بخش عمومی است، وجود ندارد، بلکه حتی بخشی از عوارض شهری به‌صورت بلاعوض در جهت حمایت از بازایافت‌کنندگان به ایشان پرداخت می‌شود. در چنین فضایی که به خودی‌خود امکان رقابت میان صنایع بازایافت ایران و سایر کشورها تضعیف می‌شود، انحصار بازار فروش پسماندهای تفکیک‌شده در دست پیمانکاران شهرداری‌هاست که ایشان نیز به‌نحوی در ارتباط با دلالت و جمع‌کنندگان غیربسیجی پسماند، قیمت‌ها را براساس بازار سیاه تعیین کرده و عملا همه حاشیه سود فرایند بازایافت را به جیب خود سرازیر می‌کنند. ۵- یکی از اولین راه‌حل‌هایی که پس از طرح مسئله گفته‌شده به ذهن می‌رسد، ورود تشکل بلا‌دستی صنعت بازایافت به این عرصه و متحد کردن اعضا با یکدیگر با هدف نخریدن پسماندهای تفکیک‌شده و شکستن بازار سیاه است. چنانچه قانون، سازوکارهای بازرسی و مجازات‌های شدیدی برای انباشت یا امحای پسماندها در نظر می‌گرفت، این راهکار می‌توانست این مسئله را به شکل اثربخشی حل کند. ولی در شرایط امروز کشور که در خوش‌بینانه‌ترین باوردها، میزان پسماند بازایافتی کشور کمتر از ۲۰ درصد کل پسماندهای شهری است و عملا مدیریت اجرایی بیش از ۸۰ درصد پسماندهای کشور را به زیان محیط زیست دفن و دفع کرده یا می‌سوزاند و هزینه این عملیات را از منابع خویش جبران می‌کند، اجرای این راه‌حل نتیجه‌ای به جز نابودی کامل بخش خصوصی در صنعت بازایافت و تسریع در تخریب محیط زیست نخواهد داشت.

۶- یکی دیگر از راهکارهایی که در چنین مواردی پیشنهاد می‌شود، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

در جمع‌آوری مستقیم و بی‌واسطه پسماندهای بازایافت‌شدنی است. به شرط وجود منابع مالی کلان برای ایجاد یک مدیریت اجرایی موازی با مدیریت شهری، چنانچه این مدیریت اجرایی جدید به‌دنبال خرید پسماندهای یادشده از دارندگان آنها باشد، صنعت بازایافت وارد رقابت با دلالاتی می‌شود که پسماندهای یادشده را به‌طور رایگان از سطح شهر جمع می‌کنند و با بنیه مالی قوی‌تر و حاشیه سود بیشتر، به‌راحتی این راهکار را با شکست مواجه خواهند کرد و چنانچه این مدیریت اجرایی جدید، پسماندهای یادشده را رایگان از سطح شهر جمع کند، عملا به کاری غیرقانونی دامن زده شده است. ۷- بررسی و تعمیق موارد گفته‌شده نشان می‌دهد توسعه پایدار صنعت بازایافت با چشم‌پوشی از تعریف صریح مناسبات حاکم بر بازار امکان‌پذیر نخواهد بود. اتحادیه صنایع بازایافت ایران به نمایندگی از بخش چشمگیری از فعالان صنعت بازایافت کشور با علم به اینکه شرایط حاکم بر اقتصاد ایران منحصربه‌فرد بوده و مقایسه مناسبات اقتصادی کشور با اقتصادهای آزاد جهان قیاس صحیحی نیست و با تصریح بر اینکه فعالیت روان مدیریت اجرایی پسماندهای شهری به رونق صنعت بازایافت منجر می‌شود، دراین‌باره خواسته‌ای به‌جز تعریف صریح و دقیق ضوابط و شفافیت معاملات پسماندهای تفکیک‌شده ندارد؛ طرفه آنکه با بالا رفتن قیمت پسماندهای تفکیک‌شده، قابلیت فراوری آنها به وسیله واحدهای بازایافت شناسنامه‌دار که ملزم به رعایت استاندارد‌ها هستند و قیمت تمام‌شده فرایندشان بالاتر است، غیرممکن می‌شود. در چنین شرایطی این پسماندها از طریق دلالت در اختیار بازایافت‌کنندگان فاقد شناسنامه و پروانه بهره‌برداری قرار می‌گیرد و ساختاری برای ضمانت استفاده‌نکردن از محصولات بازایافتی این واحدها در فرایندهای غیرمجاز نظیر بسته‌بندی محصولات غذایی وجود ندارد؛ کمابیش گزارشات وزارت بهداشت حکایت از بروز مکرر چنین تخلفاتی دارد.

۸- به‌نظر می‌رسد همان‌گونه که قوانین کشورمان، سازوکارهای مناسبی برای قیمت‌گذاری تضمینی کالاها و خدمات و رفع معضل رقابت‌ناپذیری میان بخش‌های دولتی، عمومی، شبه‌دولتی و به‌ویژه بخش خصوصی پیش‌بینی کرده است و سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران نیز جهت ایجاد انگیزه برای تولید برق نیروگاه‌های زباله‌سوز، مکانیسم قیمت تضمینی همه موچه می‌داند، قیمت‌گذاری تضمینی همه نهاده‌های این حوزه اعم از پسماندهای تفکیک‌شده و البته برق تولیدشده در نیروگاه‌های زباله‌سوز می‌تواند ثبات قیمت مواد اولیه صنعت بازایافت را تضمین و از واردشدن زیان به مدیریت‌های اجرایی پسماند شهری جلوگیری کند.

دولتی در سرزمین اصلی از جمله وزارت راه و شهرسازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی کند که وزرا یا مدیران آنها عضو شورای عالی مناطق آزاد هستند. تا هم آنها برای مناطق آزاد بیشتر دل بسوزانند و هم در جریان واقعیت فعالیت‌های این مناطق باشند و هم سرمایه‌گذاران پس از اتمام زیرساخت‌های موردنیاز این مناطق، فعالیت‌های اجرایی خود را بدون دغدغه شروع کنند و سازمان‌های مناطق آزاد در این مدت به انجام برنامه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری قبل از اجرا بپردازند. همچنین نهادهای حقوقی برای رفع موانع قضائی رشد سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد با توجه به تجربیات مناطق آزاد کشور، اقدام کنند.

آگهی مناقصه عمومی دومر حله‌ای

شماره ۵۰۳/۲۸۳۷۶/۹۵/۲۸ مورخ ۹۵/۰۶/۲۳



شرکت توزیع نیروی برق تبریز

سای‌ش

موضوع مناقصه: عبارت است از تعیین پیمانکار کلید در دست آنکال در حوزه بهره‌برداری برق تبریز

دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق تبریز

مهلت فروش اسناد: از تاریخ ۹۵/۰۶/۳۱ لغایت ۹۵/۰۷/۳۱

مبلغ تضمین شرکت مناقصه ۲۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

محل فروش اسناد:

تهران: میدان ونک، خیابان برزیل، ساختمان شهید عباسپور، بلوک ۳ نیمطبقه دوم واحد ۲۰۷ آقای بهرامی.

تبریز: جاده ائل‌گولی، بالاتر از هتل شهریار، ساختمان شماره ۲ شرکت توزیع نیروی برق تبریز، طبقه اول، اداره قرارداده‌ها و مناقصات

مهلت تحویل پیشنهادات:

آخرین مهلت تحویل پیشنهادات تا ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۵/۰۸/۰۲ تحویل پیشنهادات به دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تبریز به آدرس تبریز، کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، تلفن ۴۹-۳۳۳۲۸۹۴۶ دورنگار: ۳۳۳۳۸۹۵۰ صندوق پستی: ۴۸۳۸-۵۱۳۳۵

مبلغ فروش اسناد سیصدهزار ریال قابل واریز به شماره حساب ۱۳۰۲۸۱۰۲۰۱۱ به نام شرکت توزیع نیروی برق تبریز نزد بانک سرمایه شعبه تبریز واقع در کوی ولیعصر- فلکه بارنج با ارائه معرفی‌نامه کتبی

ساعت،روزو محل قرائت پیشنهادات:

ساعت ۱۱ روز یکشنبه مورخ ۹۵/۰۸/۰۲ ساختمان شماره ۲ شرکت توزیع برق تبریز واقع در جاده ائل‌گولی.

شرایط خاص:

ارائه گواهی رتبه‌بندی در رشته نیرو و رعایت ظرفیت کار آزاد الزامی است.

آدرس‌های اینترنتی شرکت به این شرح است: پایگاه اطلاع‌رسانی مناقسه iets.mporg.ir و سایت توابیر www.tavanir.org.ir و شرکت توزیع نیروی برق تبریز www.toztab.ir

درج آگهی در سایت فقط برای اطلاع‌رسانی بوده و مناقصه‌گران برای دریافت اسناد می‌بایست به آدرس‌های ذکرشده در آگهی روزنامه مراجعه فرمایند و خرید از طریق اینترنت قابل قبول نیست.

خبر

یارانه ایرانیان خارج از کشور قطع نمی‌شود

● **تسنیم:** وزیر تعاون از قطع‌نشدن یارانه ایرانیان مقیم خارج از کشور به‌ویژه کارگران شافل در حاشیه خلیج فارس خبر داد.

جلسه لوک‌اوایل با شرکت نفت درباره دومیدان نفتی

● **ایسنا:** روند همکاری‌های مطالعاتی شرکت ملی نفت ایران و شرکت لوک اویل روسیه در دو میدان نفتی ایران، با حضور مدیران عامل دو شرکت بررسی شد. علی‌کاردر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران ظهر دوشنبه، ۲۹ شهریورماه در نشست مشترک با وحیدعلی اکبروف، مدیرعامل لوک اویل و هیات همراه وی که به ایران آمده‌اند، درباره روند همکاری‌های دوجانبه گفت‌وگو کردند. شرکت لوک اویل پیش از این با شرکت ملی نفت ایران برای مطالعه دو میدان نفتی منصوری و آب تیمور قرارداد محرمانگی امضا کرده بود. مطالعات این دو میدان، یکی از محورهای مذاکرات دو طرف در نشست امروز بود. کاردر دراین‌باره گفت: شرکت لوک اویل در کوتاه‌ترین زمان ممکن، نتایج مطالعات خود را به شرکت ملی نفت ایران اعلام کند. علی‌اکبروف نیز در این نشست، بار دیگر بر تمایل شرکت لوک اویل برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، تاکید کرد و گفت: با وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بی‌شمار صنعت نفت ایران، تاکنون دو شرکت همکاری جدی نداشته‌اند امایدواریم مطالعه دو میدان نفتی در قالب قرارداد محرمانگی، به توسعه روابط دوجانبه منجر شود. وی افزود: لوک اویل برای بررسی مدل اقتصادی کار در ایران، در انتظار نهایی‌شدن نسخه نهایی قراردادهای جدید نفتی است.

قیمت نهایی مسکن مهر پردیس مشخص شد

● **باشگاه خبرنگاران:** مدیرعامل شهر پردیس گفت: در روزهای گذشته، کارشناسان قیمت نهایی فازهای پنج، ششت، ۹ قدیم و ۹ جدید را مشخص کردند که قیمت‌های اعلام‌شده متناسب با مترآز واحدها است، قیمت پایه در پردیس، ۳۳۰هزار تومان برای هر مترمربع در نظر گرفته شده بود که در دولت قبل و با الحاقیه شماره سه مورخ ۲۳ دی ۹۲، تغییراتی در آن اعمال شد. وی همچنین اذعان کرد: نصب آسانسور از دیگر عوامل تغییرات قیمت در مسکن مهر بود؛ چراکه در قرارداد فقط شاسی‌کشی، ریل‌کشی و فونداسیون کلی ذکر شده بود؛ اما در فاز هشت با نصب کابین و موتور، رقمی بین چهارمیلیون و ۵۰۰هزار تا پنج میلیون تومان به ازای هر واحد، اضافه شد. این مقام مسئول با اشاره به قیمت جدید انشعاب‌های نشود، مسلما گفت: قیمت انشعاب‌ها و بخشنامه‌های دولتی نیز اعتراضات نماینده متقاضیان را در پی داشته است، طبق محاسبات، قیمت انشعاب به ازای هر واحد سه‌میلیون و ۸۵۰هزار تومان تا امروز بوده و مسلما متقاضیانی که هزینه آن را در سال گذشته پرداخت کرده باشند، مبلغ کمتری می‌پردازند. عمده تفاوت قیمت فاز ۱۱ و پنج نیز در اختلاف قیمت انشعاب است که اگر وزارت نیرواز دریافت این مبلغ صرف‌نظر کند، ما هم از متقاضیان این مبلغ را دریافت نخواهیم کرد. وی در ادامه، افزود: همچنین بخشنامه‌های دولتی مانند بیمه، مالیات و نظام مهندسی نیز حدود سه‌میلیون تومان است که اگر این مبلغ دریافت نشود، مسلما قیمت تمام‌شده واحدها نیز کاهش می‌یابد. مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پردیس در پایان، قیمت نهایی واحدها را این‌گونه عنوان کرد: فاز ۱۱ حدود ۳۹میلیون و ۷۵۰هزار تومان، فاز پنج بسته به مترآز بین ۴۶ تا ۴۷میلیون تومان و فاز هشت نیز با توجه به مترآزهای بالای واحدهای این فاز که به ۱۰۷ متر تا ۱۸۴ متر نیز می‌رسد، بین حدود قیمت ۶۵ تا ۸۴میلیون تومان در نظر گرفته شده است.